

روش خودسازی و آثارش در نهج البلاغه

چکیده:

در پژوهش حاضر به «روش، مراحل و آثار خودسازی در نهج البلاغه» پرداخته شده است، از آن جایی که یکی از فلسفه های بعثت انبیاء رسیدن به مکارم اخلاقی و خودسازی است این مسئله ضرورت بحث را مبرهن می سازد. حضرت علی ع خودسازی را مقدم بر دیگر سازی و خودشناسی را مقدمه ای برای خودسازی می دانند و کسی که مجموعه عیوب خود را بشناسد، می تواند راه را به نیکویی طی نماید و استعداد های خود را در جهت رسیدن به کمال مطلق که هدف خودسازی است، شکوفا سازد. از دیدگاه امیرالمومنان علی علیه السلام خودسازی دارای مراحل چون یقظه، توبه، زهد، مراقبه و محاسبه و تقوا می باشد. انسانی که در خودسازی موفق است، آثار آن در فرد و به تبع آن در اجتماع اثر گذار است، از جمله آثار فردی می توان به رسیدن به مقام نفس مطمئنه و محبوبیت در نزد خدا، رهایی از شهوات و کسب بینایی و بصیرت و آمادگی برای مرگ اشاره نمود و آثار اجتماعی خودسازی شامل رهایی مردم از جهل و گمراهی و حفظ جامعه بشری از انحراف می باشد.

کلید واژه: خودشناسی، خودسازی، نهج البلاغه

1. مقدمه:

از مهم ترین مسائل قابل شناخت در نظام هستی، شناخت خود انسان است. خودت را بشناس، جمله ای است که اکثر فرزندان عالم، انسان ها را به آن سفارش کرده اند امیر

المؤمنين می فرموده است: «رَحِمَ اللهُ امْرَأً عَرَفَتْ مِنْ آيِنٍ وَ فِي آيِنٍ وَ إِلَى آيِنٍ»¹ خداوند رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده، در کجا هست، و به کجا می رود.

خودشناسی وابسته به خودسازی است زیرا آینه وجود آدمی بر اثر تهذیب نفس از زنگارهای گناه، غبارهای غفلت و وابستگی های پوچ و بی ارزش علایق دنیوی صاف و پاک گردیده و حقیقت وجود او بر خودش نمایان می شود. انسان مهذب به شخصیت واقعی خویش پی برده، ابعاد انسانی خود را تکمیل و پرورش می دهد.

نهج البلاغه حضرت امیرالمومنین علیه السلام، فروتر از کلام خدا و فراتر از سخن بشر، مجموعه ای منتخب از «خطبه ها»، «نامه ها»، «حکمت ها»، «وصایا» و «نیایش ها و دعاها» آن حضرت است که سید رضی گردآوری کرده است.

از آنجا که بنیان های اخلاقی و دستوره های زندگی ساز امام علی علیه السلام، جاودانه و همیشگی است و بنیادی ترین روش ارشاد جامعه، روی آوردن به اصلاح نفس است، انسان بیش و پیش از دیگران باید به عیب های خویش بپردازد.² و کسی که فهرستی از خطاهای خود را همیشه در نظر داشته باشد، فرصتی برای عیب جویی از دیگران نمی یابد.³

در این پژوهش به خودسازی و آثارش از دیدگاه امیرمومنان علی علیه السلام، با تاکید بر کتاب گران سنگ نهج البلاغه مورد بررسی واقع شده است تا از این طریق خوسه ای از بوستانش چیده باشیم.

2. روش شناسی:

این تحقیق از نوع پژوهش بنیادی و بر اساس ماهیت داده های کیفی به واسطه ماهیت موضوع با روش توصیفی و تحلیل محتوا بر اساس روش جمع آوری اطلاعات نظری است، به این نحوه که با استفاده از ابزار فیش برداری و کتابخانه ای مطالب مورد نظر جمع آوری و سپس با تحلیل محتوا سعی شده نتایج علمی و کاربردی استخراج شود.

3. مفهوم خودسازی

لغت شناسان، خودسازی را (به تهذیب اخلاق خود کوشیدن و ظاهر خود آراستن) معنا کرده اند، اما در اصطلاح، خودسازی به معنای تکمیل و پرورش نفس و استفاده از تمایلات و خواست های نفسانی به صورت هم آهنگ و در جای مخصوص خود می باشد.⁴

واژه خودسازی در زبان فارسی، ترجمان و معادل تزکیه در ادبیات عرب است؛ بنابراین با بررسی معنای تزکیه نیز می توان به مفهوم خودسازی دست یافت. تزکیه از ماده «ز ک و» در لغت به معنای استوار ساختن و دور کردن شیء از عیب و کاستی⁵ و ایجاد شد، برکت و طهارت در آن⁶ و در اصطلاح علم اخلاق عبارت از پاک کردن و پیراستن نفس از نقایص و صفات رذیله و آراستن آن به صفات پسندیده و کمالات نفسانیه است.⁷

امام خمینی (ره) در مورد خودسازی و معنای آن می فرماید: پس جهاد نفس که جهاد بزرگ است، عبارت است از غلبه کردن انسان بر قوای ظاهره خود و آن ها را تحت فرمان خالق درآوردن و مملکت را از لوٹ وجود قوای شیطانی و جنود آن خالص نمودن.⁸

4. ضرورت خودسازی

1. مطهری مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری از مجموعه آثار مرکز تحقیقات کامپوتری علوم اسلامی، 27 جلد تاریخ تولید: اسفند 1388، ج 2، ص 141

2. نهج البلاغه، خطبه 77

3. نهج البلاغه، حکمت 73

4. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج 6، ص 8833.

5. فراهیدی، العین، ص 348، زکو.

6. ابن منظور، لسان العرب، ج 6، ص 64، زکا.

7. نراقی، جامع السعادات، ج 1، ص 400.

8. امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص 6.

انسان همیشه باید در فکر تهذیب و رشد معنوی و اخلاقی باشد و هیچگاه از این امر غفلت نکند و خود را مستغنی و بی نیاز از آن نپندارد، و بداند که شیطان و هوای نفس دو دشمن قسم خورده انسان تا آخرین لحظه های عمر در صدد اغفال گمراه کردن او هستند تا بتواند به جایگاه عالی خود برسد. اینجاست که ارزش خودسازی مشخص میگردد و بهترین راه خودسازی و از مقدمات آن، خودشناسی است. انسان موجودی است که دارای استعدادهای بسیار و قابلیت های بی شماری است هم از نظر ابعاد روحی و معنوی و هم از نظر توان های جسمی و بدنی. حال اگر کسی بخواهد وجودش را در همه این ابعاد و زمینه ها بسازد اولین قدم که باید بردارد، شناخت این استعدادهاست.

حضرت علی علیه السلام در بیان ضرورت خودسازی رهبران و مدیران میفرماید: کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد، و پیش از آن که به گفتار تربیت کند، پا کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد.⁹

کسی که خود را شناخت، در پی اصلاح و ساختن خود برمیاید و به جای عیب جویی از دیگران به خودسازی و عیب جویی از خود می پردازد حضرت در رابطه با ضرورت خود سازی میفرماید: «... خوشا به حال کسی که به خانه و خانواده خود پردازد و غذای حلال خود را بخورد، و به اطاعت پروردگار مشغول باشد و بر خطاهای خویش بگرید و همواره به خویشتن خویش مشغول باشد و مردم از او در امان باشند»¹⁰. همچنین حضرت در رابطه با ضرورت خودشناسی که مقدمه ای بر خودسازی میفرماید: «نابود شد کسی که ارزش خود را ندانست»¹¹.

حضرت درجایی دیگر میفرماید: «از پند دادن به نفس خویش هیچ گونه کوتاهی نداشته، از خوش رفتاری با سپاهیان و کمک به رعایا و تقویت دین خدا، غفلت نکنید»¹².

5. ارتباط خودشناسی و خودسازی

خود در لغت به معنای خویش و خویشتن، و خودشناسی به معنای آگاهی شخص از ضعف ها و توانایی های خود و شناخت نفس¹³، و اطلاع بر خود، شناخت خود و به نفس خود عارف بودن است.¹⁴

در اسلام تاکید بر خودشناسی آنقدر است که پیامبر(ص) می فرماید: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» هر کس خود را شناخت خدای خود را نیز می شناسد. شناخت خدا نیز کمال وجودی هر انسان است.

البته خودشناسی امری درونی نیست، بلکه کسب اطلاعاتی برای شناخت هرچه بیشتر خود است و سه مرحله دارد: الف) خودشناسی خلقتی، یعنی شناخت استعدادهای به کاررفته در آفرینش انسان و کیفیت تکوین او ب) خودشناسی دنیوی: یعنی شناخت موقعیت و جایگاه خود در دنیا ج) خودشناسی اخروی یعنی شناخت سرانجام حیات خود. خودشناسی خلقتی مقدم بر خداشناسی و خداشناسی مقدم بر خودسازی است. ثمره خودشناسی و خداشناسی در خودسازی و تربیت خود ظاهر می شود. بدون شناخت انسان به عنوان موضوع تربیتی امکان گذراز وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب وجود ندارد¹⁵. حضرت در بیان مفهوم خودشناسی دنیوی چنین میفرماید: «اورا به ترس از خدا فرمان میدهد و اینکه اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد و آنچه در کتاب خدا آمده، از واجبات است را پیروی کند، دستوراتی که جز با پیروی آن رستگار نخواهد شد و جز با نشناختن و ضایع کردن آن جنایتکار

⁹ . نهج البلاغه، حکمت ۷۳

¹⁰ . نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶

¹¹ . حکمت ۱۴۹

¹² . نهج البلاغه، نامه ۵۱

¹³ . حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، هشت جلد، چاپ ششم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۷، ج ۴، ۲۸۶۴ و

۲۸۷۲.

¹⁴ . علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ۴۶ جلد، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۶، ج ۲۰، ۸۴۶

¹⁵ . اعرافی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵

خودشناسی وابسته به خودسازی است زیرا آینه وجود آدمی بر اثر تهذیب نفس از زنگارهای گناه، غبارهای غفلت و وابستگی های پوچ و بی ارزش علایق دنیوی صاف و پاک گردیده و حقیقت وجود او بر خودش نمایان می شود. انسان مهذب به شخصیت واقعی خویش پی برده، ابعاد انسانی خود را تکمیل و پرورش می دهد.

توبه کنند²³. یعنی گناه و مخاصمه را ترک گویند و سپس توبه کنند. در فرازی دیگر انسان‌ها را ضمن رعایت تقوای الهی و حفظ حریم‌های الهی سفارش می‌کند که توبه خویش را به تأخیر نیندازند²⁴ و در نامه‌ای به فرزند خویش می‌فرماید: (خداوند) به جرم زشت‌کاری راه توبه‌ات را بسته و در کيفرت شتاب نکرده است؛ توبه تو را بی‌هیچ سرزنشی می‌پذیرد²⁵.

ج: زهد

دنیای نکوهیده آدمی را فریب می‌دهد و او را اسیر فریبندگی‌های خود می‌کند. انسان‌ها با زهد پیشگی و دوری از آمال و آرزوهای دور و دراز و دست نیافتنی، خود را از فریبندگی دنیای مذموم می‌رهانند و در مسیر زندگی، راه کمال را در پیش می‌گیرند. زهد و ورزیدن به معنای بی‌رغبتی از چیزی و روی برگرداندن از آن به دلیل حقیر شمردن آن است. اعراض از دنیا و روی برگرداندن از زرق و برق آن، از صفات نیکو و خصلت‌های پارسایان است. آنان دنیا را کوچک می‌بینند و در نتیجه آخرت برایشان بزرگ جلوه می‌کند. امام (ع) در کلام خویش بر این مضمون تأکید دارند و در نهج البلاغه در چهارده مورد از واژه "زهد" استفاده کرده‌اند. آن حضرت در کلامی، علم را راهنمای آدمی در آنچه فرمان خداوند است می‌داند و زهد را محملی می‌نامد که راه وصول به آن را برای انسان هموار می‌کند. از این‌رو کسی که در دنیا زهد نوزد، بهره‌ای از بهشت نخواهد برد. پس زهد و پارسایی بستری است که صفات کمال در آن به بار می‌نشینند. در منظر امام (ع) زهد در سایه سه چیز به دست می‌آید: کوتاهی آرزوها، شکر نعمت‌ها، دوری از حرام. ای مردم، زهد در این جهان، کاستن از دامنه آرزوهاست و سپاس‌گزاری در برابر نعمت‌ها و پارسایی از حرام‌ها²⁷.

کاستن آرزوها بستر مناسبی است تا آدمی شکرگزار نعمت‌های الهی باشد و از حرام چشم‌پوشد. امام (ع) چنین زهدی را ثروت می‌نامد²⁹ که در سایه آن آدمی از بدبختی دنیا رها می‌شود و به سرای پایدار می‌رسد و رستگار می‌شود. زهد حقیقی آن نیست که آدمی گوشه‌نشینی پیشه سازد و خود را از نعمت‌های دنیایی بی‌بهره گرداند، بلکه بدین معناست که انسان از قید و بندها و تعلقات مادی و دنیوی آزاد باشد. امام (ع) در بیان فلسفه زهد می‌فرماید: همه زهد میان دو کلمه از قرآن قرار گرفته است. خدای تعالی می‌فرماید: "تا بر آنچه از دستت می‌رود اندوگین نباشید و بدانچه به دستتان می‌آید شادمانی نکنید." کسی که بر گذشته تأسف نخورد و بر آینده شادمان نباشد، زهد را از دو سوی آن گرفته است³⁰. از این‌رو انسان زاهد امکانات این جهانی را در مسیر کمال خویش به کار می‌گیرد و خود را اسیر خواهش‌های مادی و نفسانی نمی‌کند. در بیان امام هر که در این دنیا زهد بورزد، خود را آزاد ساخته و پروردگار خویش را خشنود کرده است. زهد ورزیدن ثمراتی دارد که در بیان امام به برخی از آن‌ها اشاره شده است؛ از جمله: بصیرت نسبت به دنیا³¹، حکمت، علم، شناخت حقایق هستی، آسایش در دنیا و آخرت، اعتماد به خدا و ناچیز شمردن سختی‌ها و مصیبت‌ها در دنیا. چنین انسانی از اسارت دنیا رهایی می‌یابد و به عزت و سربلندی می‌رسد. از این‌رو امام علی (ع) در بیانی می‌فرماید: روش مؤمن زهد است و تمام همّتش دین‌داری؛ عزّتش در قناعت و همه کوشش او برای آخرت. حسنات و کارهای نیکش بسیار، درجانش عالی و والاست و بر رهایی و رستگاری خود (از این جهان) اشراف پیدا کرده است³².

د: مراقبه

-
- ²³ . نهج البلاغه، خطبه ۱۶
²⁴ . نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷
²⁵ . نهج البلاغه، نامه ۳۱
²⁶ . دانشنامه نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۱۵-۲۱۶.
²⁷ . نهج البلاغه، خطبه ۸۰:
²⁸ . دانشنامه نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۵۰.
²⁹ . نهج البلاغه، حکمت ۳
³⁰ . نهج البلاغه، حکمت ۴۳۱
³¹ . نهج البلاغه، حکمت ۳۸۳
³² . غررالحکم، ص ۱۱۹
³³ . دانشنامه نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۵۰-۴۵۱

قرآن کریم نسبت به یکی از شگردهای ابلیس ملعون در گمراهی انسان، به اهل ایمان هشدار داده و می فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ. ای مردم! از آن چه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گام های شیطان، پیروی نکنید! چه این که او، دشمن آشکار شماست.³⁴ و در جای دیگر می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ... ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از گام های شیطان پیروی نکنید! هر کس پیروی شیطان شود (گمراهش می سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می دهد...³⁵

غفلت و دست و پا زدن در گناه، بیماری و مصیبتی است که جامعه بشری از دیر باز به آن مبتلا بوده و امروزه بیش از پیش بدان گرفتار است. و این بدان جهت است که ما انسان ها به آموزه ها و سفارشات قرآن کریم گوش فرا نمی دهیم. قرآن کریم می فرماید شیطان دشمن آشکار شماست و در طریق گمراهی شما دفعی عمل نمی کند، بلکه بسیار آرام و شمرده گام بر می دارد، تا ما دچار غفلت و فراموشی از این دشمن آشکار شویم و وقتی چشم باز کنیم که دیگر کار از کار گذشته و خنده های مستانه او ما را عذاب می دهد. امروزه که امکانات و ابزار ارتباط جمعی از قبیل شبکه های مجازی و ماهواره ای، به راحتی قابل دسترسی است و به عنوان ابزاری شناخته می شود که در بعضی موارد گریزی از استعمال آن ها نمی باشد، فضا برای فعالیت شیاطین انس و جن بسیار گسترده شده است و به نسبت آن هوشیاری و توجه انسان مؤمن نیز باید بالا برود. اگر در مراقبت از چشم و گوش خود دَرّه ای کوتاهی کنیم، در دام گام های شیطان گرفتار خواهیم شد و آن خبیث، به قدری آرام ما را به سمت ضلالت می کشاند که تا مدّت ها متوجّه انحراف خود نخواهیم شد و وقتی می فهمیم که دیگر گناه صفحه دلمان را سخت و تاریک ساخته و احتمال بازگشت را به حدّ اقل رسانده است. عادی شدن و کوچک وانمود کردن بسیاری از گناهان چشم و گوش، نتیجه تبعیّت از خطوات و گام های شیطان لعین است و ثمره آن دوری از علماء و اهل تقوا و بی میلی نسبت به عبادات و امور معنوی است و در مقابل تمایل به شهوات و گناهان را بسیار زیاد می کند. حال هر چه در این راستا پیش برویم، زمینه فعالیت شیطان و گمراهی ما بیشتر می شود و به تبع آن از لذّت مناجات با معبود و توسّل و ارتباط با اولیاء خدا باز می مانیم و از معارف و اسرار الهی محروم می گردیم و هر لحظه در جستجوی گمشده خویش به اشتباه رفته، در دام ابلیسی خبیث گرفتار می آیم. نگاه ها و شنیده های آلوده و شیطانی، آئینه جانمان را تاریک ساخته و قلبی را که جایگاه خدای بی کران است، مبدّل به خانه شیاطین می سازد و بدین ترتیب وجودمان سراسر بیماری و ظلمت می گردد.

«عَصُوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَوَقُّوْا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ». ³⁶ چشمان خویش را از آن چه خداوند بر آن ها تحریم نموده، پوشیده اند و گوشهای خود را وقف شنیدن علم و دانش سودمند ساخته اند.

«عَصُوا» از ریشه «عَصَ» در اصل به معنای کم کردن است و هنگامی که در مورد چشم به کار می رود، معنای فرو افکندن می دهد، یعنی سر را به زیر اندازد و نگاه نکند که ما در تعبیرات فارسی به جای آن چشم پوشی به کار می بریم. خداوند در قرآن کریم می فرماید: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْصُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ * وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْصُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ.... به مؤمنان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه تر است؛ خداوند از آن چه انجام می دهید آگاه است * و به زنان با ایمان بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند، و دامن خویش را حفظ کنند...³⁷

«وَقُّوْا» از ریشه «وقف» در لغت به معنای متوقّف ساختن است؛ ولی گاه به معنای اصطلاحی فقهی یعنی چیزی را برای چیزی وقف کردن یا از آن گسترده تر، چیزی را

³⁴ . بقره ، 168

³⁵ . نور، 21

³⁶ . نهج البلاغه ، خطبه 193

³⁷ . نور 30 و 31

اختصاص به چیزی دادن، به کار می رود. بنا براین هر گاه در دو جمله بالا معانی حقیقی کلمه را در نظر بگیریم مفهومی که آن ها نگاه به صحنه های حرام نمی کنند و پیوسته گوش به علم نافع می دهند و اگر معنای وسیع و کنایی آن ها را در نظر بگیریم، مفهوم جمله اول این است که آن ها از همه محرمات چشم پوشی و صرف نظر می کنند و گوش های آن ها وقف بر علم نافع و سودمند است (گویا در تمام عمر گوش هایشان را تنها برای دریافت این گونه علوم به کار گرفته اند).³⁸

برای انسانی که طالب خروج از زندگی حیوانی و ورود به حیات طیبه و انسانی است، لازم است که گوش خود را وقف علم کند و از استماع هر آن چیزی که بر دانسته های او نمی افزاید پرهیز نماید. تازه همین هم کفایت نمی کند؛ چرا که هر علم و دانشی با مقام تقوا و پرهیزکاری سنخیت و تناسب ندارد. چه بسیار دانسته هایی که صاحب خود را به ورطه هلاکت می کشاند و یا این که نه تنها هیچ سودی برای او ندارد بلکه باعث تضییع عمر او و از دست دادن فرصت ها نیز می شود. و از آن جایی که به فرموده مولا امیر المؤمنین (ع) : «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ». فرصت مانند حرکت ابرها می گذرد³⁹

و مؤمن زرنگ و باهوش است و از فرصت ها به بهترین وجه استفاده می کند -قال علی(ع) : «الْمُؤْمِنُ كَيْسٌ عَاقِلٌ»، مؤمن زیرک و عاقل است.⁴⁰

لذا حضرت می فرمایند: اهل تقوا گوش خود را تنها به شنیدن علم نافع اختصاص داده اند.

ه: محاسبه

امیرالمومنین علی علیه السلام میفرماید: بندگان خدا! خود را بسنجید قبل از آن که مورد سنجش قرار گیرید، پیش از آن که حسابتان را برسند حساب خود را برسید، و پیش از آن که راه گلو گرفته شود نفس راحت بکشید، و پیش از آن که با زور شما را به اطاعت وادارند، فرمانبردار باشید. بدانید همانا آن کس که خود را یاری نکند و پند دهنده و هشدار دهنده خویش نباشد، دیگری هشدار دهنده و پند دهنده او نخواهد بود.⁴¹

آیت الله مکارم شیرازی شرح می دهند:

امام (علیه السلام) در آخرین فراز این خطبه ... اشاره به چند نکته مهم می فرماید که به گفته «ابن ابی الحدید» از تعبیرات بسیار فصیح و لطیف و کمیاب است.⁴²

نخست می فرماید: «ای بندگان خدا! خویشتان را وزن کنید (و ارزش خود را بسنجید) پیش از آن که شما را وزن کنند، و به حساب خود برسید پیش از آن که شما را به پای حساب آورند.

می دانیم همان گونه که انسان در این دنیا، به هنگام انجام معاملات، نخست متاع مورد نظر را وزن می کند، سپس به حساب قیمت آن می رسد و اگر در وزن، یا در حساب قیمت، گرفتار اشتباه شود، سرمایه خودش را از دست خواهد داد و گرفتار زیان و خسران خواهد شد؛ در امور معنوی نیز باید چنین کند. ارزش و وزن اعمال خویش، بلکه وزن خودش را از نظر ایمان و اخلاق، باید معین کند و بعد به حساب آن برسد، تا اگر ضرر و زیان و کاستی دامان او را گرفته، هرچه زودتر در مقام جبران برآید و نوبت به وزن و حساب آخرت نرسد که در آنجا راهی برای جبران نیست و جز ندامت و شرمساری نتیجه ای عایدش نمی شود.

می دانیم در صحنه قیامت، مسأله توزین اعمال بلکه توزین اشخاص، حق است. قرآن مجید می گوید: وَ الْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ؛ وزن کردن در آن روز، حق است⁴³ و همچنین حسابرسی اعمال در آن روز از مسلمات است. به همین دلیل یکی از نام های قیامت «يوم الحساب» است....

³⁸ . پیام امیر المومنین ج 7 ، ص 77

³⁹ نهج البلاغه ، صبحی صالح، ص 471

⁴⁰ . عیون الحکم و المواعظ، ص 30

⁴¹ . نهج البلاغه، دشتی، خطبه 90

⁴² . شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد 6، صفحه 396

⁴³ . سوره اعراف، آیه 8

سپس می افزاید: تا راه نفس گرفته نشده، تنفس کنید (و تا فرصت ها باقی است به اعمال صالح بپردازید) وَ تَنْفَسُوا قَبْلَ ضِيقِ الْخِتَاقِ⁴⁴ در اینجا امام (علیه السلام) تنفس را به عنوان کنایه از مبادرت به اعمال صالح، علم و عمل و خودسازی و تقوا ذکر فرموده. و ضیق خناق (تنگی راه تنفس) اشاره به مرگ است.

قرآن مجید می فرماید: وَ أَنْفَعُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَ أَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ؛ از آنچه به شما روزی داده ایم انفاق کنید! پیش از آن که مرگ یکی از شما فرارسد و بگوید پروردگارا! چرا (مرگ) مرا کمی به تأخیر نینداختی تا (در راه تو) صدقه دهم و از صالحان باشم.⁴⁵

در چهارمین جمله، همان مطلب را با تعبیر زنده دیگری تأکید فرموده و می گوید: پیش از آنکه شما را وادار به تسلیم کنند، (در برابر حق) تسلیم شوید. اشاره به اینکه به هنگام مرگ، سرکش ترین افراد، همچون فرعون ها و نمرودها، چنان در فشار واقع می شوند که بی اختیار تسلیم شده و ندای "أَمِنْتُ اللَّهَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" را از درون جان سر می دهند؛ ایمانی که برای آنها هرگز سودی ندارد. چرا انسان در حالت سلامت و آزادی به سراغ ایمان و تقوا نرود که در دنیا و آخرت، برای او کارساز باشد؟! ...

و در پنجمین و آخرین اندرز می افزاید: بدانید کسی که بر ضد هوای نفسش کمک نشود تا واعظ و رادعی از درون جانش برای او فراهم گردد، مانع و واعظی از غیرخودش نخواهد یافت. اشاره به این که هدایت ها باید از درون جان انسان سرچشمه بگیرد. تا زمینه های درون ذات، آماده نباشد، سخنان واعظ برون، تأثیر نخواهد کرد. بنابراین، نخست باید انسان تصمیم بر احیای وجدانش بگیرد و امدادهای الهی به سراغش بیاید، تا واعظ درون بر کرسی وعظ بنشیند و غوغاهای هوس ها خاموش گردد و صدای او به گوش جان برسد و در اینجا است که انسان آماده پذیرش سخنان انبیا و اولیا و پیام حق از هر واعظی می شود و این نکته ای است بسیار مهم در مسایل تربیتی و خودسازی.

امیرالمومنین میفرماید: مَنْ خَاسَبَتْ نَفْسُهُ رِيحَ وَ مَنْ عَقَلَ عَنْهَا حَسِيرَ وَ مَنْ خَافَ أَمِنَ وَ مَنْ اغْتَبَرَ أَبْصَرَ وَ مَنْ أَبْصَرَ قَهَمَ وَ مَنْ قَهَمَ عِلِمَ⁴⁶

هر کس به حساب نفس خود برسد، سود می برد و هر که از این حساب غفلت ورزد، زیان می بیند، آن که از خشم خدا بترسد (در قیامت) در امان خواهد بود، کسی که (از حوادث دنیا) عبرت بگیرد، بینا می گردد و هر که بینا باشد (راه حق را) در می یابد و هر کس (آن را) دریابد، به دانش حقیقی می رسد.

و: تقوا

"تقوا" در لغت، به معنای نگه داشتن، حفظ کردن و بازداشتن است، یعنی انسان خودش را از بدی و خطر و ضرر حفظ و مراقبت کند. گرچه تقوا به معنای دیگر از قبیل پرهیزکاری، ترس و اطاعت از خدا هم آمده، ولی این تعبیرها معنای کنایی و از لوازم تقواست. تقوا ضامن ورود آدمی به حوزه اطاعت الهی است.⁴⁷

تقوا از جمله مفاهیم اصلی نهج البلاغه به شمار می رود که به تنهایی حدود پنجاه مرتبه در نهج البلاغه به کار رفته است و امام یکی از خطبه های مفصل خود را به توصیف صفات پرهیزکاران و تقوا پیشگان اختصاص داده اند. تقوا، ایجاد حالت و انگیزه ای معنوی در انسان است که به مقتضای آن، انسان، بدون حضور نیروی بیرونی، از انجام اعمال خلاف عقل و شرع پرهیز می کند و هرگز گرد گناه و امور پست و پلید نمی گردد و گناه را دور از شأن و شخصیت خود می داند. مفهوم تقوا در نهج البلاغه به دو گونه بیان شده است:⁴⁸

⁴⁴ . «خِناق» (بر وزن نفاق) به معنای گلو است و به طناب و مانند آن که گلو را بفشارد نیز، این واژه اطلاق می شود.

⁴⁵ . سوره منافقون، آیه 10.

⁴⁶ . نهج البلاغه، حکمت 207.

⁴⁷ . دانشنامه نهج البلاغه، ج ۱، ص 204.

⁴⁸ . همان.

- تقوا به مثابه "حرز" یعنی پناهگاه و "جُنَّة" یعنی سپر در وجود آدمی. امام(ع) فرمود: ای بندگان خدا شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم... بی‌شک تقوا، امروز سپر و پناهگاه شما و فردا (ی قیامت) راه بهشت است.⁴⁹ روشن است که پناهگاه و سپر برای حفظ و حراست انسان است و او را از خطر حفظ می‌کند. این پناهگاه و سپر کنایه از نیرو و حالت خاصّ بازدارنده و نگه دارنده‌ای است که با انگیزه الهی و معنوی آدمی را از فرو افتادن در گناه باز می‌دارد. تقوا نه تنها در دنیا منشأ حفظ و حراست انسان متقی است که در آخرت نیز، راهی به سوی بهشت و سعادت به روی او می‌گشاید.⁵⁰
- تقوا به مثابه "زمام" یعنی جلودار و "قوام" یعنی موجب برپایی و استواری انسان. بندگان خدا، شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم که آن "جلودار" و "موجب برپایی" شماست. پس به عهد آن وفادار بمانید و به حقایق آن چنگ زنید.⁵¹ بدیهی است دو تعبیر "زمام" و "قوام" برخاسته از روح بلند و تربیت یافته‌ای است که به انسان قدرت مقاومت و استواری در برابر هوا و هوس و شیطان را می‌بخشد.⁵²

2.6. راه های خودسازی

در نهج البلاغه، راه هایی را برای مقابله با هوای نفس و خودسازی بیان شده است که در ذیل به تبیین برخی از آنها پرداخته می شود:

الف. بردباری

بردباری به معنی بردوش گرفتن بار دیگران و تحمل در برابر ناملايمات افراد اجتماع است که البته باید همراه با دانش و آگاهی و هدفدار باشد، وگرنه زیر بار زور و ستم دیگران خواهد بود.⁵³ حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام در این رابطه میفرماید:

«بردباری پرده ای است پوشاننده وعقل شمشیری است بران، پس کمبودهای اخلاقی خود را با بردباری بپوشان و هوای نفس خود را با شمشیر عقل بکش»⁵⁴.

ب. دوری از معاصی

آن حضرت میفرماید: «ترک گناه آسان تر از درخواست توبه است»⁵⁵. ایشان در این باره در حکمت ۴۱۲ فرموده است: «در تربیت خویش تو را بس که از آنچه بردیگران نمیپسندی دوری کنی».

ج. تقوای حضور در برابر تقوای پرهیز

مفهوم تقوای حضور، مرز مکانتی را می توان در نامه حضرت علی علیه السلام به عثمان بن حنیف فرماندار بصره برداشت کرد: «وَلَوْ شِئْتُ لَأَهْدَيْتُكَ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفِّي هَذَا الْعَيْسِلِ وَ لَبَابِ هَذَا الْقَمَحِ وَ تَسَائِجِ هَذَا الْقَرْ وَ لَكِنْ هِيَ هَاتِ أَنْ يُغْلِيَنِي هَوَايَ وَ يَقُوْدَنِي جَسْعِي إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعَمَةِ»⁵⁶.

عسل، مغزگندم، لباس ابریشمی. این اوج زهد و پارسایی است که در این فراز آمده است و این امر نشان میدهد که اینها در اطراف علی علیه السلام هست. بهترین عسل ها، بهترین لباس ها، بهترین نان ها از سراسر دنیا به مدینه سرازیر است، ولی نگاه نمی کند.⁵⁷ بدون

⁴⁹ . نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱

⁵⁰ . دانشنامه نهج البلاغه، ج ۱، ص 204-205.

⁵¹ . نهج البلاغه، خطبه ۱۹۵

⁵² . دانشنامه نهج البلاغه، ج ۱، ص 205.

⁵³ . جعفری، ۱۳۸۵، ۳۸۸.

⁵⁴ . نهج البلاغه، حکمت ۴۲۴

⁵⁵ . نهج البلاغه، حکمت ۱۷۰

⁵⁶ . نهج البلاغه، نامه ۴۵

⁵⁷ . طاهریان، ۱۳۸۰، ص ۱۳۳

تردید، آن کس که گرفتار بخل و حرص و آز است، مغلوب یک امر طفیلی است و اختیارش از کف خودش بیرون شده است.⁵⁸

از کلمه «شئت»، جایگاه رفیع و تاثیر خاص اراده در تربیت و اصلاح نفس، مشخص می شود و اینکه عوامل مؤثر در تربیت زیاد است، ولی مهمترین عامل، اراده و خواست خود انسان است.⁵⁹ در عصر حاضر با وجود بیش از هزاران شبکه ی ماهواره ای و رسانه ها و سایت های اینترنتی مستهجن، گرایشاتی و انحرافات اعتقادی و فکری و دینی که بخصوص در میان نوجوانان جامعه امروزی نفوذ کرده است، اهمیت و ضرورت بیش از پیش تقویت اراده که بالاترین جایگاه در تهذیب نفس دارد را نمایان می سازد. از این رو امام علی علیه السلام، خودسازی را در متن جامعه جستجو میکند نه مانند عرفا در خلوت و خلعه؛ نه مثل فلاسفه در اصطلاحات ذهنی زیرا آن حضرت راه خدا را می جوید و به گفته شهید مطهری⁶⁰ راه خدا از میان خلق میگذرد.⁶¹ در تقوای پرهیز، مرز صورت «مکانی» دارد اما در تقوای حضور، مرز شکل «مکانی» می یابد. در مرز مکانی، فرد فاصله مکانی نمی گیرد؛ بلکه در عین حضور در مکان، خود را در مرتبت و مکانی فراتر می بیند و به این طریق، از آلودگی شرایط مصون می ماند.⁶² امام علی علیه السلام در همین پرهیزها و در همین مبارزه با سیری ظالم و دفاع از مظلوم، خودسازی را جستجو می کند. اگر در انتظار روزی بسر ببریم که همه عوامل بیرونی از هر جهت آماده باشد و آن عوامل بیرونی سازنده باشند، انتظاری جایی است. این چنین فضایی یا فراهم نخواهد شد یا به ندرت زمینه هایش پیش می آید. با توجه به این مسائل است که تقویت اراده مهمترین راه برای خودسازی به شمار می رود.⁶³ حضرت امیر علیه السلام در بسیاری از خطبه ها و نامه ها و حکمت ها انسان ها را به پرهیزگاری و تقوا سفارش می کنند، به گونه ای که در صدر سخنان ایشان قرار می گیرد. در زیر نمونه هایی از این بیانات آمده است:

- پس ای بندگان خدا از خدا بترسید و از خدا، به سوی خدا فرار کنید و از راهی که برای شما گشوده بروید و وظایف و مقرراتی که برای شما تعیین کرده، به پا دارید.⁶⁴
- آنچه بر اساس تقوا پایه گذاری شود، نابود نشود. کشتزاری که با تقوا آبیاری شود، تشنگی ندارد.⁶⁵
- پس ای بندگان خدا بپرهیزید، چونان پرهیز کسی که به نفس خود چیره و بر شهوات خود پیروز و با عقل خود به درستی می نگرد.⁶⁶
- ای بندگان خدا شما را به ترس از خدا سفارش میکنم، و از دنیاپرستی شما را میترسانم.⁶⁷
- ای بندگان خدا شما را به پرهیزکاری سفارش میکنم که عامل کنترل و مایه استواری شماست، پس به رشته های تقوا چنگ زنید.⁶⁸
- ای بندگان خدا شما را به پرهیزکاری سفارش میکنم. پس گوش جان را به ندای تقوا بسپارید و برای بدست آوردن آن تلاش کنید. تقوا را به جای آنچه از دست رفته به دست آورید و عوض هر کار مخالفی که مرتکب شده اید انتخاب کنید. با تقوا خواب خود را به بیداری تبدیل و روزتان را با آن سپری کنید. دل های خود را با تقوا زنده کنید و گناهان خود را با آن شستشو دهید. بیماری های روان و جان خود را با تقوا درمان

58 . مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۴۷

59 . طاهریان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸

60 . مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۰۸

61 . طاهریان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۳۸-۱۳۹

62 . باقری، ۱۳۸۴، ص ۷۷

63 . طاهریان، ۱۳۸۰، ن ۱۳۸-۱۳۹

64 . نهج البلاغه، خطبه ۲۴

65 . نهج البلاغه، خطبه ۱۶

66 . نهج البلاغه، خطبه ۱۶۱

67 . خطبه ۱۹۶

68 . نهج البلاغه، خطبه ۱۹۵

و خود را آماده سفر آخرت گردانید. از تباه کنندگان تقوا عبرت گیرید و خود عبرت پرهیزکاران نشوید. آگاه باشید تقوا را حفظ کنید و خویشتن را با تقوا حفظ نمایید⁶⁹.

د. اعمال نیکو

امام علی علیه السلام در این باره میفرماید: ای بندگان خدا از خدا بپرهیزید و با اعمال نیکو به استقبال اجل بروید، با چیزهای فانی شدنی دنیا آنچه که جاویدان می ماند خریداری کنید⁷⁰.

ه. بازیابی عیوب خویشتن بجای سرزنش دیگران

امام در سال ۳۵ هجری پس از بیعت مردم با ایشان، در اولین سخنرانی میفرماید: ... جز پروردگار خود، دیگری را ستایش نکنید و جز خویشتن خویش دیگری را سرزنش ننمایید⁷¹. حضرت علی علیه السلام در گفتار کوتاه و پر معنایی دیگر، میفرماید: «جَهْلُ الْمَرْءِ بَعِيْبُهُ مِنْ أَكْبَرِ ذُنُوبِهِ»، نا آگاهی انسان نسبت به عیوبش از بزرگترین گناهان اوست⁷².

و. بازگشت پس از زشتی ها

در خطبه شانزدهم نهج البلاغه آمده است: مردم به خانه های خود روی آورید، مسایل میان خود را اصلاح کنید، توبه و بازگشت پس از زشتی ها میسر است.

ز. خودشناسی مقدمه ی خودسازی

آن حضرت می فرماید: «... نادانی انسان همین بس که قدر خویش نشناسد ...»⁷³.

ج. یادآوری مرگ

نقش یاد مرگ در خودسازی، در بیانات امام علی علیه السلام چنین آمده است: اگر بنده خدا اجل و پایان کارش را می دید، با آرزو و فریب آن دشمنی می ورزید⁷⁴. در جایی دیگری فرماید: «بهوش باشید، مرگ را که نابود کننده لذت ها و شکننده شهوت ها و قطع کننده آرزوهاست، به هنگام تصمیم بر کارهای زشت، به یاد آورید و برای انجام واجبات و شکر در برابر نعمت ها و احسان بی شمار الهی، از خدا یاری خواهید»⁷⁵. همچنین آن حضرت می فرماید: «ای مردم، شما را به پرهیزگاری و شکر فراوان در برابر نعمت ها و عطاهای الهی و احسانی که به شما رسیده سفارش میکنم ... مردم شما را به یادآوری مرگ، سفارش میکنم»⁷⁶.

ط. ضرورت ستایش پروردگار

در خطبه ۴۵ نهج البلاغه آمده است: «ستایش خداوندی را سزااست که کسی از رحمت او مایوس نشود و از نعمت های فراوان او بیرون نتوان رفت، خداوندی که از آمرزش او هیچ گناهکاری ناامید نشود و از پرستش او نباید سربیزی کرد. خدایی که رحمتش قطع نمی شود و نعمت های او پایان نمی پذیرد». بنابراین انسان در هر شرایطی باشد و هر قدر آلوده به گناه شود، باز باید به سوی خدا برگردد و از رحمتش مایوس نباشد که این یاس و کفر و ضلالت و بزرگترین گناه است⁷⁷.

7. آثار خودسازی در نهج البلاغه

انسانی که در خودسازی موفق است، آثار آن در فرد و به تبع آن در اجتماع اثر گذار است.

⁶⁹ . نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱

⁷⁰ . نهج البلاغه، خطبه ۶۴

⁷¹ . نهج البلاغه، خطبه ۶

⁷² . مجلسی، ۱۴۱۲، ج ۷۴، ص ۴۱۹

⁷³ . نهج البلاغه، خطبه ۱۶

⁷⁴ . نهج البلاغه، حکمت ۳۳۴

⁷⁵ . نهج البلاغه، خطبه ۹۹

⁷⁶ . نهج البلاغه، خطبه ۱۸۸

⁷⁷ . مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۵۰۲

1.7. آثار فردی:

از جمله آثار فردی میتوان به رسیدن به مقام نفس مطمئنه و محبوبیت در نزد خدا، رهایی از شهوات و کسب بینایی و بصیرت و آمادگی برای مرگ اشاره نمود.

2.7. آثار اجتماعی:

حضرت به تربیت اجتماعی ای که انسان را به اصلاح رابطه اش با خدا و دیگران بکشانند معتقد است.⁷⁸ از نظر حضرت علی علیه السلام، خودسازی، تنها فردگرایانه نیست، بلکه در ارتباط با دیگران نیز مطرح می شود، ایشان می فرمایند: کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد و کسی که امور آخرت را اصلاح کند، خدا امور دنیای او را اصلاح خواهد کرد و کسی که از درون جان واعظی دارد، خدا را بر او حافظی است.⁷⁹ معلوم می شود که نتیجه و پیامد اصلاح میان خود و خدا، اصلاح میان او و مردم است و این که خودسازی نتایج دنیوی نیز در پی دارد و خداوند امور دنیای او را اصلاح خواهد کرد. مشابه همین مطلب حضرت در جایی دیگر چنین آمده است: کسی که نهان خود را اصلاح کند، خدا آشکار او را نیکو گرداند و کسی که برای دین خود کار کند، خدا دنیای او را کفایت فرماید، و کسی که میان خود و خدا را نیکو گرداند، خدا میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد.⁸⁰

خودسازی شامل خداشناسی، اصلاح رابطه میان فرد و مردم، اصلاح امور دنیوی در پی اصلاح امور اخروی، رهایی مردم از جهل و گمراهی و حفظ جامعه بشری از انحراف می باشد.

8. نتیجه گیری

این تحقیق مروری بر ماهیت و مراحل خودشناسی و خودسازی در نهج البلاغه بود. از نگاه امیرالمومنین (ع) برای حرکت در مسیر بندگی و حفظ حالات و روحیات معنوی و عرفانی، اعتلای رشد فکری و اعتقادی، لازم است انسان قبل از هر چیز بر آگاهی های خویش بیفزاید، چرا که از مهمترین سفارش ها، معرفت و شناسایی انسان نسبت به خودش است، آنگاه مسیر معنوی خویش را با طی مراحل چون یقظه، توبه، زهد، مراقبه و محاسبه و تقوا آغاز و در میدان عمل و خودسازی به بالاترین مقام و درجه تکامل بیندیشد.

از نظر امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، معرفت نفس، تزکیه، تهذیب، محاسبه نفس، رعایت تقوا، عمل به دستورات و معارف دینی از اصول اساسی خودسازی است.

از نظرایشان، خودسازی، تنها فردگرایانه نیست، بلکه در ارتباط با دیگران نیز مطرح می شود و مقصود این نیست که هرگاه انسان بخواهد خود را بسازد و به اصلاح خویشتن خویش پردازد، باید از اجتماع دوری گزیند و انزوا و گوشه نشینی اختیار کند.

حاصل سخن آنکه از دیدگاه نهج البلاغه انسان برای دستیابی به کمال مطلوب که قرب الی الله و رسیدن به فوز الهی است با عزم و اراده و تمسک به قرآن و ائمه معصومین (ع) به خودسازی پردازد تا در این مسیر به مرحله یقین که برترین موهبت الهی است دست یابد و در پی آن امنیت اجتماعی حاصل شود.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۸۸. تهران: شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.

⁷⁸ . بهشتی، ۱۳۸۶، س ۳

⁷⁹ . نهج البلاغه، حکمت ۸۹

⁸⁰ . نهج البلاغه، حکمت ۴۲۳

الف. کتب

1. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران. ۱۳۷۹. پیام امام امیرالمومنین علی علیه السلام، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
2. اعرافی، علیرضا، و همکاران. ۱۳۸۷. درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی 2. اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران: سمت، حجاب دهم.
3. جعفری، سید محمد مهدی، ۱۳۸۰. آموزش نهج البلاغه، تهران: وزرت فرهنگ و ارشاد اسلامی
4. ربوبی، جواد، ۱۳۶۲. مقام آدمیت (خودشناسی، خودسازی و سیروسلوک بسوی خدا)، اقبال.
5. طاهریان، محمد. 1380. درس های از نهج البلاغه، تهران: عابد.
6. قلی پورگیلانی، مسلم. ۱۳۷۹. در سایه سار نهج البلاغه، اداره کل امور فرهنگی و هنری (کارشناسی معارف اسلامی)، تهران: برگ نفیس.
7. دین پرور، سید جمال الدین. 1394، دانشنامه نهج البلاغه، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
8. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۹. حکمت ها و اندرها، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات صدرا، چاپ بیست و هشتم.
9. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۹. سیری در نهج البلاغه، تهران: انتشارات صدرا، چاپ چهل و پنجم.
10. نصری، عبدالله. ۱۳۷۱. سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ سوم.
11. انوری، حسن. 1387. فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، هشت جلد، چاپ ششم
12. دهخدا، علی اکبر. 1346. لغتنامه، دانشگاه تهران.

ب. مقالات

1. حسینی، حسین. 1397. خودشناسی و خودسازی از منظر امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت، سال اول، شماره 1، ص 33-48
2. بهشتی، افخمی اردکانی، سعید، محمد علی. بهار و تابستان ۱۳۸۶. تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه، تربیت اسلامی، سال دوم، شماره ۴، ص ۱۳.
3. زالی مقصودلو، غفار. 1390. خودشناسی و خودسازی از منظر امام علی علیه السلام با تاکید بر غررالحکم، کتابخانه مجازی الفبا